



۲۰۱۸/۱۰/۰۳

افغان جرمن آنلاين

## روشن کردن تاریخ افغانستان، خفاشان را سراسیمه می کند

محترم حامد نوید / محترم حسیب الله

افغان جرمن آنلاين افتخار دارد که درین گيرودار بازار گرم گماشتگان اجير شده، باز هم رستم های قلم دارد که به احیاء و برجسته سازی تاریخ کشور مبادرت می ورزند. ازینرو لازم دیدیم تا از قلم گرامی جناب حامد نوید شاعر و نویسنده و مورخ عالیقدر بزرگداشت به عمل آورده، خدمات ایشان را تحسین نموده تیریکات قلبی خود را بخاطر کتاب ارزشمند اخیر ایشان اداء کرده باشیم.

گمان میر که به پایان رسید کار مغان — هزار باده ناخورده در رگ تاک است  
هزار دشمن شغاد توطئه کردند — کجا؟ رستم ما را ز ناکسان پاک است

محترم حامد نوید پژوهشگر ژرفنگر آثار باستانی و تاریخ هنر افغانستان است، که درین اواخر جلد اول اثر تحقیقی شانرا بنام " هنر افغانستان در عرصه تاریخ" به نشر سپرده اند.

جعلکاران "گماشته شده" که طبق خواهشات دولت آخوندی ایران، اسم افغانستان را قبول ندارند، تاریخ افغانستان را قبول ندارند، ملیت افغان را قبول ندارند، قانون اساسی افغانستان را قبول ندارند، بیرق افغانستان را قبول ندارند، حتی حدود جغرافیای فعلی کشور ما را قبول ندارند (اما با آنها در کشور عزیز ما زندگی می کنند تا جنایات طرح شده ایران را بر ضد افغانستان عینت بخشند)، یکی از آنها سوالی را از جناب محترم حامد نوید در فیسبوک طرح میکند تا برای ولی نعمت خود خدمتگاری اش را نشان داده باشد:

( از صفحه فیسبوک جناب محترم حامد نوید اقتباس گردیده است )

### سوال کننده:

"جناب نوید با عرض درود! اگر تاریخ حوزه جغرافیای منظمه را مطالعه کرده باشید هنر نمائی های که شما ذکر می کنید شامل چندین کشور امروزی میشود که بنام خراسان، قبل از آن بنام فلات آریا یی ها یاد میشد نه افغانستان بعداز سال 1748 میلادی که حوزه تمدنی جدا شد تا 1880 میلادی هنوز هم تمدن خراسانی بود چون امیران افغان بنام خراسان حکومت می کردند و نام افغانستان هیچ مطرح نبود، و انگلیسها نام این منطقه را افغانستان گذاشتند که نتیجه تمدنی آن فقط کشتار و خون ریزی وانسان کشی است. از شما که یک شخص دانشمند هستید از سال 1747 میلادی تا امروز 2018 میلادی فمط یک شاهکار تمدنی افغانستان را ذکر کنید. ممنون شما میشوم با عرض احترام"

جواب علمی و تحقیقی جناب محترم حامد نوید را به جعلکاران "گماشته شده" در ذیل می خوانید:

"هموطن عزیز با ابراز تشکر از توجه تان به موضوع کتاب « هنر افغانستان در عرصه تاریخ » :  
مراد از نوشتن کتاب "هنر افغانستان در عرصه تاریخ" شرح آثار تاریخی و پدیده های هنری ای میباشد که در محدوده کشور کنونی افغانستان با نیروی اندیشه و قدرت تخیل هنرمندان و صنعتگران این مرزوبوم بدست توانای شان در طی زمانه ها ایجاد گردیده و بیانگرافکار، عقاید، طرز دید و شیوه زندگی مردمان این دیار میباشد.  
طوریکه میرهن است، اسم بسی کشورهای جهان در نشیب فراز تاریخ چه در اروپا و چه در قاره آسیا تغیر خورده وساحه اقتدار دولت ها در نتیجه پیروزی های نظامی ویا شکست قدرت های وقت گاه وسیع وگاهی هم کوچک گردیده و در بسی موارد کشور های جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته اند. بطورمثال اکثر کشورهای آسیای مرکزی مانند قرغزستان، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و بسی ممالک دیگر این ساحه بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کردند که میراث فرهنگی بخارا و

د پائو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

خوارزم قدیم بدانها میرسد. نام کشور همسایه ما ایران نیز در سال ۱۹۳۵ جاگزین فارس پیشین گردید. مثال دیگر درین رابطه کشور ایتالیاست که خاستگاه امپراتوری مقتدر روم باستان بود. چنانچه میدانیم پس از تجزیه این امپراتوری بزرگ به روم شرقی و غربی در سال ۵۷۳ میلادی در دوره قرون وسطی و عصر رنسانس، کشور مستقلی بنام ایتالیا در نقشه اروپا وجود نداشت تا اینکه در اثر تلاش های ملی گرایان این کشور به قیادت جوزف گریبالدی وحدت سیاسی ایتالیا در سال ۱۸۴۸ تکمیل گردید و این کشور باستانی با نام جدیدی ایتالیا در میان ممالک آزاد جهان عرض وجود نمود. اما این تغییر نام باعث آن نمیگردد تا ملت ایتالیا از میراث غنی فرهنگی خویش محروم گردد.

به همین ترتیب در صد سال پیش از ایجاد ایتالیا، احمدشاه ابدالی در سال ۱۷۴۸ میلادی در لویه جرگه تاریخی کندهار، در زیارت شیر سرخ به پادشاهی انتخاب شد. در آنوقت دولت برتانیای در هند حضور سیاسی نداشت تا باعث ایجاد دولتی بنام افغانستان گردد. با توجه به تاریخ منطقه این واقعت مبرهن میگردد که قبل از ورود برتانوی ها در نیم قاره هند نه تنها دولت مستقلی در افغانستان وجود داشت، بلکه ساحه آن در آغاز قرن نهم بسیار بزرگتر از افغانستان امروزی بود. یعنی از شرق تا به دهلی و از غرب تا به نواحی تهران و کرمان میرسید.

اگر به نقشه منطقه در اواخر قرن هژدهم و آغاز سده نهم نگاهی بیاندازیم به وضاحت مشاهده میشود که در اثر سیاست های استعماری روسیه تزاری و بخصوص دولت برتانیای از ساحه تحت اقتدار افغانستان به تدریج کاسته شده نه اینکه کشور جدیدی مانند پاکستان از اراضی تحت تسلط برتانیای ابداع گردیده باشد. برخلاف آنچه تبلیغ میگردد که گویا انگلیسها این نام را برای افغانستان تعیین نموده اند، موجودیت سیاسی افغانستان زاده جانبازی ها و قربانی های این ملت از اده در طی سه جنگ افغان و انگلیس است که به گواهی تاریخ در آن تمام و اقوام و اقشار افغانستان اشتراک داشته اند.

دولت برتانیای آنوقت به اساس سیاست توسعه جویانه **Forward Policy** « فارورد پالیسی» یا سیاست پیشروی، در حال حمله بر خاک افغانستان بود و در تضعیف هویت سیاسی آن میکوشید. بدیهیست که انگلیس ها برای ملت سازی به افغانستان نیامده بودند. ازینرو شرق شناسان و تاریخ نگاران برتانیای که در قرن نهم در هند مستقر بودند تمام پدیده های هنری پیش از اسلام افغانستان را بخشی از قلمرو فرهنگی مدنیت هند محسوب کردند و به اساس دید سیاسی خویش آثار هنری ادوار اسلامی را که از کابل تا دهلی به چشم میخورد، بنام هنرمغلی هند قلمداد نمودند.

در حالیکه ظهیرالدین بابر از ماورالنهر می آمد و بعد از مصاف های خونین با محمد خان شیبانی در سمرقند از فرغانه به بدخشان آمد و در حوالی سال ۱۵۱۲ نخستین پایتخت خود را در کابل تأسیس نمود و در تزک بابری (خاطرات بابر، واقعات سال ۹۱۰، ص ۵) یک و نیم قرن پیش از ورود انگلیس ها به منطقه از نام افغانستان یاد برده است.

بابر بعد از پیروزی در جنگ اول پانی پت و شکست ابراهیم لودی در سال ۱۵۲۴ حکومت تیموری هند را در آگره اساس نهاد. فرهنگ اسلامی ای که در شمال هند از عهد غزنویان تا عهد لودیان موجود بود با استقرار او در هند تقویت بیشتری یافت. درین عصر هنرمندان، شعرا و ادبای زیادی از خراسان ماورالنهر و فارس به سرزمین هند رفتند و در دربار دهلی گرد آمدند. در قرن هژدهم امپراتوری درانی جاگزین امپراتوری مغلی هند شد، اما نویسندگان قرن نهم برتانیای در بررسی های خویش تحولات فرهنگی ایندوره را بصورت عام نادیده گرفته اند و تا هنوز این طرز دید در نزد بسی نویسندگان غربی وجود دارد.

در سال های ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۵ سرجان ملکم **Sir John Malcolm** د دیپلمات و رزیده برتانیای مؤظف گردید تا برای تأمین منافع بریتانیا در فارس و جلوگیری از نفوذ فرانسه در آنکشور با دولت قاجار روابط سیاسی بر قرار کند. زیرا مستقر شدن فرانسه در خلیج فارس خطر جدی ئی را برای مستملکات برتانیای در هند ایجاد میکرد. پس از جنگ های شدید میان فرانسوی ها و انگلیس ها شکست ناپلیون بناپارت در سال ۱۸۱۵ در جنگ واترلو زمینه آنرا مساعد ساخت تا دولت برتانیای در خلیج فارس بی رقیب بماند. در همین سال سیاستمدار و رزیده انگلیس سرجان ملکم کتاب تاریخ فارس را نگاشت و کوشید تا موجودیت تاریخی افغانستان را که هنوز برای هند برتانوی خطر جدی ئی تلقی میکردید، نادیده بگیرد.

متعاقب آن سرپرسی سایکس **Sir Percy Sykes** یکی از افسران نظامی برتانیای تاریخ فارس قدیم را به چاپ رساند و سپس ادوارد براون نویسنده برتانوی تاریخ ادبیات فارس را نوشت که درین اثر تمام شعرای فارسی زبان از رودکی سمرقندی تا غنی کشمیری را مربوط به فارس قلمداد کرد در حالیکه سبک شعری خراسانی برخاسته از زرنج و بلخ و پرورش یافته در غزنه، هرات و بخارا بود. روی این محاسبه فرضی و عمومیت پندارانه هنوز هم عده از خاورشناسان غربی و اکثر نویسندگان معاصر ایران آفریده هنری و ادبی ئی را که از فرغانه تا شیراز و از آنجا تا کشمیر ایجاد گردیده، بنام فرهنگ ایرانی و هنر فارسی یاد میکنند. نخستین کسیکه متوجه این نقیصه گردید و از هیأت باستانشناسان فرانسوی خواست تا با مطالعات علمی مستقل مدنیتهای پارینه افغانستان را در جهان معرفی دارد اعلیحضرت امان الله خان بود، و همان بود که موزیم کابل را در سال ۱۹۲۳ اساس گذاشت و حراست از میراث های فرهنگی کشور را درج نظامنامه های دولت افغانستان ساخت. در همین عصر مکتب صنایع کابل به ریاست پروفیسور غلام محمد خان میمنگی متخلص به مصور تأسیس گردید. از دوره امانی تاکنون نقاشان، صنعتگران و پیکره سازان مستعدی در افغانستان ظهور نموده اند که آثار نابشان زینت بخش گالری ملی افغانستان و کشور های جهان است. در جهان کنونی حقوق فرهنگی ممالک عضو ملل متحد به اساس منشور سازمان جهانی

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

یونسکو بنا بر موازین بین المللی محفوظ است و بازگشت آثار تاریخی به یغما رفته هر کشور، به اساس درخواست رسمی دولت آن، به نام همان کشور صورت پذیر مییابد. طوریکه خود اشاره نموده اید حوزه تاریخی خراسان، میان افغانستان و کشورهای همجوار آن تقسیم گردیده است. ازینرو حفظ میراث های فرهنگی میهن ما دیگر در زیر نام خراسان دیروز میسر نیست.

بنا بر گزارش انجمن حفظ میراث های فرهنگی جهان، تاراج موزیم ملی افغانستان در میان سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵، یغمای گنجینه های عظیم میرزکه در ولایت پکتیا به تحریک پاکستان، قاچاق سیستماتیک آثار تاریخی شهر باستانی آی خانم در ولایت تخار توسط قوماندانهای محلی، تخریب و چپاول معبد شکوهمند هده جلال آباد ذریه احزاب تندرو جهادی، و بهمین ترتیب انهدام تپه سردار غزنه و پیکره عظیم بامیان بدست طالبان، ضربات مهلکی بود که بر پیکر فرهنگ غنی زادگاه ما وارد آمد. از طرفی مقادیر هنگفت آثار منقول تاریخی افغانستان در بازارهای بین المللی در معرض خرید و فروش قرار دارد. بنا بر گزارش رسمی پولیس انترپول در حدود ۷ تن آثار تاریخی به سرقت رفته افغانستان تحت نظارت پولیس لندن است و بیشتر از ۴ تن دیگر آن توسط پولیس فرانسه حراست میگردد. این آثار ارزشمند تاریخی میراث فرهنگی و سرمایه ملی مردم ماست و بنام کشور افغانستان تسجیل و تثبیت گردیده است، ازینرو تنها به نام فعلی افغانستان به وطن برگردانده شده میتواند نه بنام آریای باستان و یا خراسان قدیم.

در میان آثار خطی افغانستان در هراج لندن قرآن قلمی ای که با حل طلای ناب تزئین یافته و به خط نسخ تحریر شده بخاطر ظرافت کار و پختگی خط در زمره ارزشمند ترین آثار هنر اسلامی دسته بندی گردیده است. این اثر در عهد پادشاهی احمدشاه درانی در ماه رجب سال ۱۱۶۷ هجری قمری مطابق ۱۴ ماه می ۱۷۵۴ میلادی توسط کاتب حفیظ الله خطاطی و تذهیب کاری گردیده و قیمت آن به هزاران پوند سترلینگ بالغ میگردد. امید وارم که این شرح تا اندازه نی بر موضوع روشنی افکنده باشد، به آرزوی صحت مندی و سعادت تان

حامد نوید "

**مرتبط به مطالب فوق تشریحات مستند آقای محترم حسیب الله را در جواب سوال کننده مغرض که در مورد افغانستان بعد از سال 1748 میلادی در حوزه تمدنی چه "شاهکاری" داشته است، چنین می خوانیم:**

### **فقط یک شاهکار؟**

در قسمت جواب سوالی که از 1747م. بدینطرف مردم افغانستان چه شاهکاری داشته اند، جواب بر میگردد به اینکه سوالگر تحت اصطلاح "شاهکار" چه تعریفی را در ذهنش جا داده است. اما تعریفی واضحی که در اینجا، از خلال سوال سوالگر، از یک "شاهکار" داده میتوانیم، میتوانیم، اشارتی باشد به گسترده ترین و شاید بهترین، بزرگ ترین و مردمی ترین یا نامدارترین دستاورد ملت عزیز ما از 1747م. بدینطرف. از جانب دیگر سوالگر فقط ذکر یک شاهکار تمدنی افغانستان را از سال 1747م. تا 2018م. می طلبد که ساحة دادن پاسخ را با "فقط ذکر یک شاهکار تمدنی افغانستان" اندکی محدود می سازد.

از این رو ما در اینجا بحث دقیق و مفصلی را بالای شاهکارهای هنری که قبل وبعد از 1747م. توسط هنرمندان عزیز مملکت ما تولید شده اند، امروزه در دسترس هستند و یا هم بسیاری از آنها یا ناپدید، دزدیده و یا گم شده اند و یا به دست فراموشی سپرده شده اند، نمی نگاریم، زیرا همچو پاسخی از یک طرف از حوصله این سطور خارج بوده و نیز به گمان اغلب از حوصله سوالگر خارج مییابند، زیرا وی جویای ذکر فقط یک شاهکار تمدنی شده است. اما با آن هم نباید خارج از امکان دانست، یعنی ممکن است روزی در میان آثار هنری گمشده ما آثاری هنری پیدا شوند که حتی دنیای هنر را متحیر کند.

اما در این جا نظر به درخواست سوالگر، فقط و فقط به یک شاهکار مردم عزیز خود اشارتی مختصری میداریم، آن عبارت از شاهکار دولت سازی مردم ماست که از 1747م. بدینطرف مردم افغانستان در زیر یک بیرق، به نام یک ملت بزرگ، در یک فضای جغرافیایی که آنرا افغانستان عزیز می نامیم، در کنار بیشتر از 190 مملکت جهان امروز در زیر یک بیرق و مانند ثائر ملل جهان به حیث یک ملت واحد خیر و شر امروز و فردای خویش را به پیش می بریم.

در ساحة "شاهکار دولت سازی ها" یعنی ساختن یک دولت، به وضاحت میتوان گفت که دولت سازی خود به حیث یک شاهکار اجتماعی محسوب شده میتواند، که از سه جز مردم، جغرافیای مشترک و قوای دفاعی مشترک به میان می آید. هر گاه ما از شاهکاری های محمود غزنه و میرویس نیکه و اولاده او که قبل از 1747م. به وقوع پیوسته است، گذشته به شاهکاری های بعد از 1747م. نگاهی گذرای داشته باشیم، و بطور مثال در زمان احمد شاه بابا نه تنها میتوان از یک شاهکار دولت سازی، بلکه میتوان از یک شاهکار امپراتوری سخن زد.

یعنی میتوان بطور مثال ایجاد امپراتوری ابدالی را به حیث یکی از شاهکار های بعد از 1747م. خدمت سوالگر پیشکش نمود، که همچو سوال سطحی را به کرختی مواجه گردانیده، در عین حال پاسخی دریافت کند، دقیق، عینی، آشکار و مستدل.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

از آنجائی که ما از دهه ها به این سو، از یک طرف شاهد رشد ادبیاتی هستیم که بازگرداندن دوباره دولت به مطالعات علوم سیاسی را دنبال می کند و در این ادبیات به طور خاص، نظریه های دولت سازی اهمیت بالایی یافته اند و در عین حال همین اهمیت باعث شده است تا ما با تعدد و تکثر نظریه های دولت سازی مواجه شویم و از جانی هم برخی از ترجمه های ناقص از آثار مهم علمی در این باب، ادبیات مربوطه را بلخصوص در ترجمه های غیر دقیق دچار نوعی آشفتگی متنی ساخته است. بدین سبب به زبان ساده و کلام مختصر به پاسخ میتوان گفت: بطور مثال از آنجائی که امپراتوری ابدالی مالک سرزمین، حاکمیت، حکومت و جمعیت بود، پس ایجاد همچو دولت را میتوان یک شاهکاری خواند، که بعد از 1747م. به وجود آمده است و سؤالگر تقاضای دانستن همچو شاهکاری را پرسیده بود.

ناگفته نگذیریم که این امپراطوری روز تا روز وسعت و گسترش و استحکام بیشتر پیدا می کرد. دولت تضعیف شده و خود باختۀ فارس در حال افول بود که بلاخره در سال 1935 ناچار شد درد ضعف خود را با حیلۀ تغییر نام دولت فارس تسکین دهد. ازینرو به وسیلۀ کلمۀ ایران دست به جعل کاری ها زد تا خود را خود قناعت داده برجسته سازند. خوشبختانه که جعل کاری ها هیچ گاهی چاره ساز نیست، زیرا آنها به جای برجسته کردن خویش دچار سرطان آخوندی استعماری شد که سرزمین ایران شدۀ فارس تا کنون در حال نزع بر نطح استعمار قرار دارد. کاش سؤالگر متوجه این جعلکاری های کشور نظرش خود شده بود.

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ